

شوق

عشق میدان

این زندگی است که تو ترک کردی، تماشا کن



سحر عصار آزاد

فیلم سینمایی *گفتنه*، *امداد* حس نوستالژیکی است که همیشه نسبت به روزگار رفقه وجود دارد اما پیش از این حس عمومی، امداد گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

او همین‌رو می‌توان اینگونه تعبیر کرد که فیلم با وجود اینکه اثری خود را از رویدادهای زمان گذشته می‌رقات می‌کند اما یک اندازی قابل‌تامل دارد اینکه با پرداختن به برشی از موقعیت بحرانی و شرایط ملمهب این شخصیت‌ها در زمان حال می‌تواند گذشته را پدیداری را که در سربین به این حال و روز، نقش داشته تا حتی روشن کند البته به میزانی که برای همراهی منطقی با قصه لازم است، نه همه‌چیز.

اسبن برش با ورود احمد، پس از چهار سال به شهر مارین. مارین می‌شود، دوری از قلعبندان، نه جایی‌شان که می‌توان با ذهنت ابریشی از آن تعبیر به یک گفتنه از پیش‌زمین‌شده برای انتقام داشته انتقام مارین از احمد که چهار سال پیش به یکباره ترکش کرده است. همان‌طور که احمد از یکی از بگویموگهی‌شان به آن اشاره می‌کند.

شوق را دلیله برای تبدیل شدن این ذهنیت به یک مهم‌ترین آن چراکه احمد دارد یک زندگی متعارف و معمولی با حداقل، ادمه زندگی که چهار سال پیش رهایش کرده نمی‌شود. این را وضعت بهمیرهمه ظاهر در فیلم مارین می‌گوید که اسرار زن برای رنگ کردن خله آن هم دست تنها و در شرایط بارداری، نشسته استراعی آن است. مارین، احمد را به نمایش زندگی‌اش دعوت کرده است.

او همین جاست که طراح‌های خالی فرهادی برای گویا کردن روابط زمان حال ابعاد از خلل گذشته، اما هم دلیل موقفان و حتی حال و روزهم، وارد کار می‌شوند که برخی از آنها خوب جواب می‌دهند و برخی هم نه.

مانند تصویر که در فیلم از احمد ترسیم می‌شود به‌عنوان مردی همراه‌مهربان، ملاحظه‌کار، قابل‌اعتماد. که همه‌در خواست‌های مارین را قبول می‌کند و قصد ترسیم و درست کردن همه‌چیز را دارد حتی آنچه زن به زبان نمی‌داند مثل لوله آب زیر سینک ظرفشویی، اما نقطه ظرف و درونی این است که احمد از شروع فیلم گویای یک مسئولیتی خود را که هر لحظه هم سنگینی‌تر می‌شود، به دوش می‌کشد. چیسا او به خاطر غلبه و جانی که از راه گزن مارین و فرستادن زن به بسترسوی این زندگی آشفته دارد نمی‌تود، بی‌ایک متنی به هیچ یک از درخواست‌هایش بدهد اتفاق مهم هم ایجادست که مخاطب روایت زمان حال به شکلی برآمده از مسیر مارین و من‌مطلب توضی اضافی و مستقیم و مقرر دادن بر رفتارهای احمد می‌تواند این شخصیت را در گذشته و حال در یک بار کند.



لوسی و مخالفت او با سوا رابطه مادرش و سمیر را در روندی تدریجی ترسیم کند نیتاده است، در واقع روند تدریجی با همان اطلاعات‌همه ظرف‌گشایی به گونه‌ای در بخش میانی فیلم کند و مکتبایی پیش می‌رود که به واسطه تقویم لطمه می‌زند و روند تدریجی بودن این روند، در مسیر واقعی درام قصه سخت است.

به نظر می‌آید سمیر در دل شدنش اطلاعات و کامل‌شدن پاژل اتفاقی که منجر به خودکشی فیلم‌بردار شده و اتفاقی‌ای خرد و زیاده که رجوع چندباره به آن و آزرگیری از ابراهه اطلاعات درست از همان جایی که راه نشده، هاله زمر و راز و کنشگویر، رنگیزگر اطراف این رویداد را از بین برده و همچنین از کمربند گزن که تاجایی که وقتی در پایان، فراتر است زنجیره این اتفاقات، مخاطب را به نقطه‌ای متفاوت و خاص برساند، فاکتوری در پی ندارد.

چیسبا علت آن هم اهمیت زیادی باشد که پس از این اتفاق (عزت خودکشی سلین) به‌عنوان هسته مرکزی درام فیلم دارد شده تا در روندی تدریجی با یک تعلق کنشگویر مخاطب برای فهمیدن بیشتر شود. در حالی که با منظور کمتر بر بازخوانی چندباره این اتفاق این امکان وجود داشت که ضربه نهایی، کاری‌تر باشد و تاتیر بیشتری بر مخاطب بگذارد، در حالی‌که اینگونه نیست و امان یا قصه به جهت دراماتیک، نمایش اهمیت و تخرج اتفاقی که در لایه درونی‌تر فیلم افتاده، یک اثر قلمی ضربه‌ای که می‌توانست توجه مخاطب را از واری همه اتفاقات وروابط دوترو و به‌هم‌ترسیمه در پیمنده در فیلم توجه را به‌عنوان تفرج‌سامر و سمر و کند. زوجی که در شرایط عادی و طبیعی قادر به برقراری ارتباط نبوده‌اند اما زنجیره اتفاقات گذشته تا زمان خودکشی سلین، مرد را پس از ماماه به باور این احتمال می‌رساند که همسرش از او دوست داشته است.

در واقع می‌توان فیلم را مجموعه‌ای از روابط تاکام و تفرجام در زمان گذشته و حال دانست. از رابطه احمد و مارین تا رابطه سمیر و مارین که مشخص است با کشگی که سمیر کرده نمی‌تواند به سوا روالی به- گفته سبیر با فراموش کردن گذشته و پرداختن به زمان- حال ادمه پیدا کند، هرچند در همین شکل رابطه هم این مارین است که رابطه را پیش می‌برد.

رابطه سمیر و سلین هم که به نظر می‌آید با گذر از آب و آتش درجایی برای توسعین و بازنگری پیدا کرده وضعت غربی دارد؛

رقی (سلین) که در کا ما به او واکنشی به تنهایی روشکی نشان نمی‌دهد و مردی (سمیر) که در انتظار تولد فرزندش از زنی دیگر (مارین) است اما نمی‌داند این زن، ولما دوستش دارد یا تنها را.

جایی‌گرن فرزندش (احمد) کرده است.

پرشتاب و جهش رو به جلو، گذشته را با همه تاثیراتش که در زمان حال و آینده احساس می‌شود به حساب نیابرد؟ هرچند از زوایای دیگر این موضوع یعنی نسبت گذشته و امروز می‌تواند در هر فرهنگ و در هر جغرافیایی مصداق‌هایی داشته‌باشد.

کا سولام را جزئی‌تر مطرح می‌کنم، چرا اینقدر روابط زن و مرد در

چرا جوب خاتونه برای شما مهم است؟

پیش از اینکه رابطه زن و مرد اهمیت داشته باشد نقش بدین رابطه است که اهمیت دارد فارغ از جنسیت، با وجود برداشت‌های متفاوت و مختلفی که از شخصیت‌های زن یا مرد در این فیلم‌ها شده من کمتر اتفاق را اسری به ذهنه خشکی و دستبندی جنسیتی شخصیت‌ها دارم. معتقدم نامر که در این فیلم‌ها زن‌ها، تنها و تنها به دلیل زن پوششان صاحب آن هنگام یک به‌عنوان مشترک سال ۲۰۱۳ گر زنده شد و چه موقعی که زن کلود کاریز، یکی از مهم‌ترین فیلمنامه‌نویسان امروز جهان سینما که ناشی با نویسسی پروینل، گر زورده از فیلم اخیرش، گذشته، تمجید کرد، کافی است که به نقش مهم او به‌عنوان فیلمساز صاحب سبک نه تنها در ایران بلکه در جهان پی برد. جدا از فیلمسازی می‌توان به نقش مهم او در خلق شیوه «فیلمنامه‌نویسی» که منطبق با فرهنگ تمرکز بر جزئیات و نگاه عمیقی به شخصیت‌ها که کم‌در مسیر روایت اراهی‌است که قصه‌ها به وجود می‌آوردند پس پیش از نوشتن داستان‌هایم را به جایی اینکه منوجه نتیجه‌کند، به فرآیند رسیدن به نتیجه، متمرکز می‌کنم و طبعاً و را از افضاوت، برجز می‌دارد. سبک مساله این برش با ورود احمد، پس از دهن فیلمساز نقش بسته است و چقدر به جامعه مناسبت می‌شود، تصویر کشیده می‌شود، نشانگر زبان‌سبایل میلای سخت‌است که در زبان تصویر، مسایل جامعه را اینچنین در «فیلم» مطرح ترک که البته اثر فرهادی، تاکنون موفق بوده است، «رقی در غبار»، شهر زیبا»، «چهارشنبه سوری»، «درباره الی»، «جایی نادر از سینم» و گذشته»، شش فیلمی است که تاکنون این فیلمساز ساخته است.

برای فیلم‌هایم جواز داخلی و خارجی فراوانی گرفته‌ام که مهم‌ترین آن چاره‌های من فیلم خارجی‌زان در مراسم اسکار، برای فیلم «جایی نادر از سینم» بود و همینطور جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن برای فیلم گذشته، به خاتم برنسی بیژو، تعلق گرفت که طبعاً نقش سوزی درم به دست آوردن این موفقیت غیر قابل انکار است. این روزها فیلم گذشته، در سینماهای کشور ارا شده و بحث‌های زیادی در رسانه‌ها راه انداخته است. طبعاً به خاطر سابقه درخشان «فرهادی» از فیلم زمان حال ابعاد از خلل گذشته، اما هم دلیل موقفان و حتی حال و روزهم، وارد کار می‌شوند که برخی از آنها خوب جواب می‌دهند و برخی هم نه.

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

در سال‌های گذشته، به معنای دقیق‌تر، مفهوم جدایی‌های نورسیتی پارسی نشده‌ای بیشتر نماهای بسته و داخلی است. موضوعی حساس که در بین مشکلات دیگر داستان فیلم پدرم بوده؛ به طور مثال، داستان مخالفتی بگیرم دارد، به بهانه اکران گذشته، با اصغر فرهادی گفتگو که برای فیلم گذشته، به خاتم برنسی بیژو، تعلق گرفت که طبعاً نقش سوزی درم به دست آوردن این موفقیت غیر قابل انکار است. این روزها فیلم گذشته، در سینماهای کشور ارا شده و بحث‌های زیادی در رسانه‌ها راه انداخته است. طبعاً به خاطر سابقه درخشان «فرهادی» از فیلم زمان حال ابعاد از خلل گذشته، اما هم دلیل موقفان و حتی حال و روزهم، وارد کار می‌شوند که برخی از آنها خوب جواب می‌دهند و برخی هم نه.

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟

ا وقتی مجموعه کارهایتان را دنبال می‌کنیم، جدا از بحث سوزه، مضمون فیلم‌هایتان، خانواده، و همین‌طور روابط انسان‌ها در جامعه در زمان حال را به‌عنوان موضوعی اصلی در نظر می‌گیرید؟



اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

او همین‌رو می‌توان اینگونه تعبیر کرد که فیلم با وجود اینکه اثری خود را از رویدادهای زمان گذشته می‌رقات می‌کند اما یک اندازی قابل‌تامل دارد اینکه با پرداختن به برشی از موقعیت بحرانی و شرایط ملمهب این شخصیت‌ها در زمان حال می‌تواند گذشته را پدیداری را که در سربین به این حال و روز، نقش داشته تا حتی روشن کند البته به میزانی که برای همراهی منطقی با قصه لازم است، نه همه‌چیز.

اسبن برش با ورود احمد، پس از چهار سال به شهر مارین. مارین می‌شود، دوری از قلعبندان، نه جایی‌شان که می‌توان با ذهنت ابریشی از آن تعبیر به یک گفتنه از پیش‌زمین‌شده برای انتقام داشته انتقام مارین از احمد که چهار سال پیش به یکباره ترکش کرده است. همان‌طور که احمد از یکی از بگویموگهی‌شان به آن اشاره می‌کند.

شوق را دلیله برای تبدیل شدن این ذهنیت به یک مهم‌ترین آن چراکه احمد دارد یک زندگی متعارف و معمولی با حداقل، ادمه زندگی که چهار سال پیش رهایش کرده نمی‌شود. این را وضعت بهمیرهمه ظاهر در فیلم مارین می‌گوید که اسرار زن برای رنگ کردن خله آن هم دست تنها و در شرایط بارداری، نشسته استراعی آن است. مارین، احمد را به نمایش زندگی‌اش دعوت کرده است.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

او همین‌رو می‌توان اینگونه تعبیر کرد که فیلم با وجود اینکه اثری خود را از رویدادهای زمان گذشته می‌رقات می‌کند اما یک اندازی قابل‌تامل دارد اینکه با پرداختن به برشی از موقعیت بحرانی و شرایط ملمهب این شخصیت‌ها در زمان حال می‌تواند گذشته را پدیداری را که در سربین به این حال و روز، نقش داشته تا حتی روشن کند البته به میزانی که برای همراهی منطقی با قصه لازم است، نه همه‌چیز.

اسبن برش با ورود احمد، پس از چهار سال به شهر مارین. مارین می‌شود، دوری از قلعبندان، نه جایی‌شان که می‌توان با ذهنت ابریشی از آن تعبیر به یک گفتنه از پیش‌زمین‌شده برای انتقام داشته انتقام مارین از احمد که چهار سال پیش به یکباره ترکش کرده است. همان‌طور که احمد از یکی از بگویموگهی‌شان به آن اشاره می‌کند.

شوق را دلیله برای تبدیل شدن این ذهنیت به یک مهم‌ترین آن چراکه احمد دارد یک زندگی متعارف و معمولی با حداقل، ادمه زندگی که چهار سال پیش رهایش کرده نمی‌شود. این را وضعت بهمیرهمه ظاهر در فیلم مارین می‌گوید که اسرار زن برای رنگ کردن خله آن هم دست تنها و در شرایط بارداری، نشسته استراعی آن است. مارین، احمد را به نمایش زندگی‌اش دعوت کرده است.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

اصغر فرهادی، نیاز به معرفی ندارد. آنقدر شناخته‌شده و نام‌آشناست که حتی در دنیای خارج سینما هم به مثابه یک پرشنده، از یاد دور نیست. ریاست‌جمهوری او و سینمایش به‌عنوان سفیر فرهنگی ایران یاد کردند و چه هنگامی که «عادل فردوسی‌پور» در برنامه عمومی، گرمای ناگشوده گذشته و تاتیر گذار آنها بر زندگی حال و آینده است. دلایل مختلفی برای این سبویه ارزشگذاری به گذشته از نگاه اصغر فرهادی در فیلم وجود دارد که روایت خلی و زمان حال فیلم یکی از آنجاست. روایتی که هرچند به شکلی درونی و عمیق با گذشته احمد، مارین، سمیر، سلین، لوسی و فواد سروکار دارد تا رابطه پیچیده زمان حال آنها را قابل درک کند، اما زمان وقوع قصه را نمی‌تکند و گریز مستقیم به گذشته ندارد.

سینمای ایران

به تازگی جنس کارشان به نوع فیلم‌هایی که کار می‌کنم انتخاب شدند. برای این فیلم به دلیل اینکه برخی از عوامل را از قبل نمی‌شناختم، فیلم‌های روز را مرور کردم و افراد از روی کارشان انتخاب شدند. فیلمی را می‌دیدم و در صورت رضایت‌بخش‌بودن کار طراح صحنه یا تدوینگر، او را در فهرست کاندیداهای آن پست می‌گذاشتم. مثلاً برای بحث صدا کارهای «کشتارنشا» را دیدم (می‌کس من) آن کارها را انتخاب کردم. برای طراح صحنه از کارهای «کیوشاوسکی» به طراح صحنه مردم رسیده ام برای تدوین از تماشاای کارهای «اودیار» تدوینگر را انتخاب کردم.

کا مشکلات پیش روی این فیلم از چه نوعی بود؟ موقع کارکردن، دلنگت فضای فیلمسازی در ایران نبودید؟

مشکل ویژه و خاصی که بتوانم به آن اشاره کنم، یادم می‌آید. همه‌چیز طبق برنامه فراهم بود. شبیه کارکردن من و گروه ایرانی در این فیلم شبیه همان شیوه‌ای بود که پیش از این در ایران کرده بودیم. بنابراین برای دلی دلنگتی نبود. البته امکات زیاد و ابزارهای متعدد فناوری‌ها را باعث شده بود. موقع ساختن فیلم اقتصر درون خود فیلم و عرق خنک‌ترین از کاری که در حال انجام‌است که دلنگت چیزی نمی‌شوم.

کا هنرایی با تهیه‌کننده خارجی چگونه‌است؟

بستگی به تهیه‌کننده دارد و توقع فیلمساز از آن تهیه‌کننده این فیلم که همه فیلم‌های قبلی من را هم در فرانسه پخش کرده به نوع کار من آشنا بود که کار، هیچ درسی انجام داد. به و معانی واقعی علق‌سینماست.

کا فرق اقتصاد سینمای ایران و سینمای فرانسه در چیست؟

به طور کلی سینما در بسیاری از کشورهای دنیا مخصوصاً اروپا و آمریکا صنعت بسیار گرانی است و همین گران‌بودن این صنعت باعث شده که برای صنعت سرمایه‌گذاری کلاً به شکل مستقیم‌است که از آورده است. در اینجا فیلم‌ها کمیوبشی می‌تواند زمان اکران و تعداد نمایش‌ها در خودشان تعیین کنند. اما اگر فیلمی نتواند در هفته اول به میزان فروش مناسب دست یابد بلافاصله و به هیچ‌ام و اگر از هزینه کردن خارج خواهد شد. رقابت با فیلم‌های آمریکایی نیز کار راست‌تر از آن است. قوانین صنفی در جهت رفاه و حمایت از حقوق عوامل، کلیم گرفته و سندیکاها بسیار قوی و مستقل عمل می‌کنند. عوامل در فاصله استراحت با یکبارگی بین دو فیلم‌ها تا چند ماه حقوق تقریباً شبیه به دوران کار دریافت می‌کنند. دیدن این‌همه حمایت از سوی ستوف از عوامل و مقایسه آن با وضعیت سینمای خودمان غایب‌نگویز.

کا آیا تمام دارند فیلم‌هایتان را در ایران سانساز؟

تعیین‌کننده همه‌چیز داستان است. بستگی دارد داستان بعدی کجا اتفاق بیفتد. خودم را مقید و محدود نمی‌کنم. باید صبر کنم. به‌سببم کادیامی که قصه‌هایی که در ذهن دارم به در زندگی‌ترت ایران نشد. نمی‌خواهم صبر فیلمساز به در مقطع فیلمسازی در ایران و فیلمسازی در خارج از آن تقسیم شود. از سوی تهیه‌کننده قبلی و تهیه‌کننده‌ای دیگر برای ساخت فیلم در خارج از کشور ترانسل داستان اولیایی که دارم، صحبت‌هایی شده است اما در مورد زمان ساخت آن هنوز تصمیمی نگرفته‌ام. شاید داستانی که در ایران می‌گذرد و در اساس می‌تواند به قصه‌هایی که در ذهن دارم به در زندگی‌ترت ایران نشد. نمی‌خواهم صبر فیلمساز به در مقطع فیلمسازی در ایران و فیلمسازی در خارج از آن تقسیم شود. از سوی تهیه‌کننده قبلی و تهیه‌کننده‌ای دیگر برای ساخت فیلم در خارج از کشور ترانسل داستان اولیایی که دارم، صحبت‌هایی شده است اما در مورد زمان ساخت آن هنوز تصمیمی نگ